

ماشین جنگی صدام چگونه ساخته شد؟

ناصر ایرانی

نموده است. در اهمیت کتاب همین بس که گفته شود برخی از مهمترین رازهایی که در این کتاب فاش شده است تازه، در همین روزهایی که مقاله حاضر نوشته می شود، دارد در تحقیقات کنگره و مطبوعات آمریکا آشکار می گردد.

صدام که بود و چگونه به قدرت رسید؟

پيامدهای بسیار وخیم سیاست آمریکا و سایر کشورهای غربی در تجهیز و تکمیل ماشین جنگی عراق نمی بایست از همان ابتدا بر کسی که حزب بعث و شخص صدام حسین را می شناخت پوشیده باشد. صدام حسین فرزند و مظهر حزب بعث است. حزب بعث، که در سال ۱۹۴۷ پس از به وجود آمدن کشور اسرائیل تشکیل شد، معتقد بود جهان عرب يك «ملت» واحد است که زبان و فرهنگ و دین پایه وحدت آنند. این ملت واحد را توطئه امپریالیسم در قرن بیستم به کشورهای مختلفی تقسیم کرده است که مرزهای مصنوعی آنها میراث شوم دوران استعماری است. این هم که صهیونیسم بین المللی خاک فلسطین را اشغال کرده است بخشی از همین توطئه امپریالیستی، به ویژه توطئه استعمار انگلیس، است. نخستین بعثیها اعتقاد داشتند که روزی رهبر بزرگی ظهور خواهد کرد که با اراده ای آهنین بر ملت عرب حکومت خواهد کرد، و پنجاه میلیون عرب تحت رهبری او به پا خواهند خاست و یهودیان و نیروهای استعماری را از خاورمیانه بیرون خواهند راند.

حزب بعث از همان ابتدای تأسیس از چند لحاظ به حزب نازی آلمان شباهت داشت: پرستش رهبر، پابندی به هویت نژادی، ستیز با شیاطین بیگانه، و اعتقاد به اینکه جنگ عاملی است پالایشگر. جنگ به چشم بعثیها چیز بزرگی بود و شعار آنان این بود: زنده باد آتش تطهیرکننده جنگ.

در ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ گروهی از افسران ارتش عراق، که خود را

Kenneth Timmerman: *The Death Lobby, How the West Armed Iraq*, Boston, Houghton Mifflin Company, 1991.

طوفان سیاسی ناشی از سیاست هشت ساله دولت ایالات متحده آمریکا، و به طور کلی کشورهای غربی، که به رژیم صدام حسین امکان داد ماشین جنگی نیرومندی بسازد که پس از ویرانها و کشتارهایی که در کشور ما به راه انداخت به کویت هجوم برد و در دروی حامیان منطقه ای و غربی عراق قرار گیرد، اکنون که ۱۵ ماه از عملیات طوفان صحرا و انهدام نسبی آن ماشین جنگی می گذرد تازه دارد شدت می گیرد و به موضوع سیاسی داغی تبدیل می شود. تحقیقات کنگره آمریکا و مقامات قضایی و مطبوعات آن کشور تاکنون حقایق بسیاری از این سیاست خطرناک را که از سال ۱۹۸۲ آغاز شد و تا دوماه اوت ۱۹۹۰، یعنی روز حمله عراق به کویت، ادامه یافت آشکار ساخته است. برخی از این حقایق حاکی از خلافتکاریهای قانونی است و به همین دلیل کمیته قضایی مجلس نمایندگان آمریکا تصمیم گرفته است لزوم انتصاب يك دادستان ویژه را مورد بحث قرار دهد و لذا باید گفت سرگنده این افتراس، که از هم اکنون انگ «عراق گیت» خورده است، هنوز زیر لحاف است.

کتاب حامیان مرگ، غرب چگونه عراق را مسلح ساخت، نوشته کنت تیمرمن، حکایت مفصلی است از اینکه چگونه آزمندی مهارناپذیر شرکتهای غربی دست به دست بلندپروازیهای نامحدود و نامعقول صدام حسین داد و ماشین مرگ عراق را ساخت. این کتاب محصول شش سال تحقیق در برنامه های تسلیحاتی عراق است و نویسنده در تحریر آن از اطلاعاتی استفاده کرده که طی سالها کار خبرنگاری از منابع دست اول، یعنی از طراحان اسلحه و تکنیسین ها و مریبان نظامی که در عراق کار می کرده اند، و نیز از تحلیل گران اطلاعاتی و دیپلماتها و مقامات دولتی کشورهای غربی و خاورمیانه، کسب

«افسران آزاد» می خواندند، به رهبری ژنرال عبدالکریم قاسم و سرهنگ عبدالسلام عارف بغداد را تصرف کردند و ملک فیصل دوم شاه عراق و نوری سعید نخست وزیر او را که هر دو طرفدار انگلیسی ها بودند کشتند و حکومت را به دست گرفتند.

بعثیها انقلاب ۱۹۵۸ را فرصت تاریخی بزرگی پنداشتند که می توانست به آرزوی آنان، یعنی اتحاد اعراب، جامه عمل بپوشاند. ولی دیری نگذشت که این آرزوی آنان نقش بر آب شد زیرا عبدالکریم قاسم با حزب کمونیست طرفدار شوروی عقد اتحاد بست که بعثیها آن را نیروی بیگانه ای به حساب می آوردند که خطرش کمتر از خطر استعمار انگلیس نبود. بعثیها و کمونیستها در خیابانهای عراق به نبرد پرداختند و در بخشهایی از شمال عراق نظم و قانون به کلی از بین رفت. دولت عبدالکریم قاسم دادگاههای ویژه «وحشت سرخ» تشکیل داد که وظیفه آنها دستگیری و محاکمه بعثیها بود. «وحشت سرخ» هستی حزب کوچک بعث را سخت به خطر انداخت.

صدام حسین در نبردهای خیابانی با کمونیستها فعالانه شرکت داشت. او در اکتبر ۱۹۵۹ خبر یافت که حزب بعث نقشه کشیده است عبدالکریم قاسم را بکشد و حکومت را به دست گیرد. وظیفه صدام حسین در این توطئه قتل حمایت مسلحانه از گروه چهار نفره ای بود که قرار بود قاسم را بکشند، ولی آتش اشتیاق او به قدری شدید بود که نتوانست خویشتنداری نشان دهد و برخلاف وظیفه اش به اتفاق دیگران به کاروان اتومبیلهای قاسم و همراهانش آتش گشود. توطئه قتل عقیم ماند و صدام، که در این ماجرا گلوله ای به پای چپش خورده بود، به سوریه و سپس به مصر گریخت.

در فوریه ۱۹۶۳ حزب بعث با همدستی سرهنگ عبدالسلام عارف علیه عبدالکریم قاسم کودتا کرد و حکومت را به دست گرفت. صدام به محض آنکه از پیروزی کودتا خبر یافت به بغداد بازگشت و در زندان اصلی حزب بعث، قصر النهایه، به بازجویی و شکنجه زندانیان کمونیست پرداخت.

پس از کودتای ۱۹۶۳، عبدالسلام عارف رئیس جمهور شد و احمد حسن البکر نخست وزیر. ولی هیچ یک از این دو نفر قدرت و نفوذ چندانی نداشتند. مرد قدرتمند رژیم علی صالح رهبر حزب بعث بود که از پشت صحنه دولت را رهبری می کرد. حزب بعث به محض آنکه مهار حکومت را در اختیار گرفت به دست میلیشیاها مسلحش به دستگیری و قتل مخالفان پرداخت و تخم وحشت در کشور پراکند. نکته جالب توجه اینکه تخمین زده می شود در این زمان اعضای فعال حزب بیش از هزار نفر نبودند.

پس از چند ماه اتحاد ارتش و حزب بعث از هم گسست. یکی از دلایل این امر جنگ خونینی بود که حسن البکر بر ضد کردها به

راه انداخت. کردها، به رهبری ملامصطفی بارزانی، در آن زمان از اتحاد شوروی اسلحه و کمکهای دیگر دریافت می کردند و توانستند ضربه های سختی، به ویژه در شبها، به ارتش عراق وارد بیاورند. عارف در نوامبر ۱۹۶۳ بعثیها را از کابینه بیرون راند، و صدام حسین یک بار دیگر مجبور شد از عراق فرار کند و در دمشق پناه بگیرد. دو سال بعد حسن البکر دبیر کل حزب بعث شد و صدام را که خویشاوند و متحد وفادارش بود وردست خود کرد.

از ۱۹۶۵ تا ۳۰ ژوئیه ۱۹۶۸ که بعثیها باز به قدرت رسیدند، صدام حسین سازمانده اصلی حزب بود. در این مدت او حزب را به ابزار خرابکاری نیرومندی تبدیل کرد که قادر بود کودتای نظامی راه بیندازد و برخلاف گذشته مهار قدرت را نگه دارد. تاکتیک های سازماندهی او آمیزه ای بود از تاکتیک های کمونیستها و نازیها: حزب را مسلح ساخت، خانه های امن ایجاد کرد، و پایگاههای آموزشی مخفی برای جنگجویان بعثی ترتیب داد. همچنین بخش امنیتی خاصی بنیاد نهاد که وظیفه عمده اش تجسس در احوال اعضای حزب و ریشه کن کردن مخالفان احتمالی و کاشتن بذر وفاداری شخصی در افراد بر پایه ترس بود.

تجربه کار مخفی تأثیر عمیقی در روحیه صدام به جا گذاشت به طوری که بعدها هیچ گاه علاقه به پنهان کاری و کار اطلاعاتی را از دست نداد و گرچه حزب بعث را به تدریج به یک جنبش توده ای تبدیل کرد ساختار مخفی آن را همچنان دست نخورده نگه داشت. در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ صدام حسین سوار بر یک تانک در رأس یک تیپ زرهی ارتش به کاخ ریاست جمهوری حمله کرد و آن را تصرف نمود. او با آنکه ارتشی نبود لباس نظامی پوشیده بود تا سر بازانی که در این حمله شرکت داشتند او را از خود بدانند. بعثیهای دیگر نیز، همه در لباسهای نظامی، ایستگاههای رادیو و تلویزیون و ستاد ژاندارمری را تصرف کردند. کودتا در واقع کار دو طرفدار سابق عبدالسلام عارف، یعنی سرهنگ عبدالرزاق النایف و ابراهیم الداود، بود و بعثیها فقط سازمان مخفی خود را در اختیار آنان گذارده بودند.

ولی صدام حسین و حسن البکر که به تجربه دریافته بودند ارتش شریک وفاداری در حکومت نیست تصمیم گرفتند اشتباه پنج سال پیش را تکرار نکنند. این بود که النایف را از سر راه خود برداشتند. نحوه کنار گذاشتن النایف نمونه ای است از اخلاق و شیوه های سیاسی بعثیها: در کاخ ریاست جمهوری مهمانی ترتیب دادند و، پس از شام، النایف را دعوت کردند به دفتر حسن البکر بروند و النایف ساده لوحانه دعوت آنان را پذیرفت. در دفتر البکر، صدام حسین هفت تیر کشید و با آن به قدری بر سر و صورت النایف ضربه زد که او به زانو افتاد و پذیرفت که سفیر عراق در مراکش شود. مأموران صدام او را تحت الحفظ به مراکش

فرستادند، ولی صدام مردی نبود که مار زخم خورده را زنده بگذارد؛ در ژوئیه ۱۹۷۸ مأمورانش التایف را پس از ده سال زندگی در تبعید هنگامی که از آپارتمانش در لندن پا بیرون می گذاشت به قتل رساندند.

قریحه اصلی صدام که او را علی رغم موانع و خطرهای بسیار بر سریر قدرت نگه داشته است توانایی اوست در بوکشیدن و ردیابی رقیبان احتمالی و نابود کردنشان پیش از آنکه فرصت اقدام علیه او را داشته باشند. او از ابتدا با اتکا بر سازمانهای پلیس مخفی حکومت می کرد. هیچ جنبه ای از زندگی مردم عراق نبود که زیر نظارت مأموران او نباشد، و هیچ مخالف یا معترضی نبود که طعم تلخ مخالفت یا اعتراض را به بیرحمانه ترین وجهی نچشد. طبق نوشته سمیر الخلیل، نویسنده کتاب جمهوری وحشت، تنها در سال ۱۹۶۹ هشت بار مراسم اعدام گروهی مخالفان در ملاء عام برگزار شد. در نخستین مراسم اعدام، یکی از وزیران بعثی در برابر جمعیت گفت: «میدانهای بزرگ و نامیرای عراق انباشته از جنازه های خیانتکاران و جاسوسان خواهد شد! صبر کنید!»

نزدیکی به شورویها و پیامدهایش

رژیم بعث بیشتر مخالفانش را در خونشان غرق کرد. فقط نتوانست از پس چریکهای کرد بر آید که در استانهای شمالی عراق با دولت می جنگیدند. در اوایل سال ۱۹۶۹، وقتی اعدامهای گروهی در بغداد آغاز شد، کشور در آستانه تجزیه بود. شورویها از ۱۹۶۸ به بعد از طریق کمک به ملامصطفی بارزانی صدام را تحت فشار قرار داده بودند. آنان هرگاه می خواستند امتیازی از صدام بگیرند، مثلا در زمینه نفت، به رهبر کردها کمک بیشتری می کردند و هنگامی که صدام وامی داد میزان کمک را کمتر می کردند.

جنگ کردستان صدام را مجبور کرد به شوروی روی آورد و با آن کشور قرارداد پانزده ساله دوستی و همکاری منعقد سازد. شوروی بدین ترتیب توانست با بهره گیری از شورش کردها متحدی برای خود دست و پا کند که مشتاقانه علاقه مند بود با نفوذ امریکا در منطقه خلیج فارس به مقابله برخیزد. شوروی در نتیجه این قرارداد امتیازهای مهم نفتی و اجازه استفاده از پایگاههای هوایی عراق را به دست آورد، به علاوه، صدام حسین را متعهد ساخت که سیاست خارجی خود را با سیاست خارجی شوروی «هماهنگ» سازد.

صدام حسین از قیدوبندهای سیاسی قرارداد مزبور آگاه بود و می دانست که این قرارداد حق حاکمیت ملی عراق را نقض می کند، منتهی چاره ای جز فرودادن این قرص تلخ نداشت زیرا می دانست که بدون جلب رضایت و کمک شوروی قادر به

سرکوبی شورش کردها نیست.

در اواخر مارس ۱۹۷۴ صدام حسین به ارتش عراق دستور داد شورش کردها را حتی به قیمت نابود کردن کل مناطق کردنشین سرکوب کند. ارتش دست به حمله زد ولی دیری نگذشت که در تمام جبههها مجبور به عقب نشینی شد و نفرات و تجهیزات بسیاری را از دست داد. صدام، که استاد محاسبه های غلط بود، در این زمان مرتکب دو اشتباه شده بود. یکی اینکه نمی دانست شورویها، علی رغم انعقاد قرارداد دوستی و همکاری با او، به دلیل دشمنی او با کمونیستهای عراق و آزار و قتلشان دل خوشی از او ندارند؛ و دیگر آنکه امریکاییها به دلیل همین قرارداد، که پای شورویها را به خلیج فارس بازمی کرد، تصمیم گرفته اند او را تنبیه کنند. شورویها ارسال اسلحه به عراق را متوقف کردند و سازمان سیا از طریق ایران اسلحه فراوانی در اختیار بارزانی و پیشمرگانش گذاشت.

در اواخر ۱۹۷۴ ذخایر اسلحه و مهمات ارتش عراق ته کشید. سر بازار عراقی در پادگانهایشان زمینگیر شدند و خلبانان ناچار گردیدند پروازهای کمتر و باز هم کمتری انجام دهند. آنچه صدام را بیش از هر چیز دیگری خشمگین کرد این بود که شورویها حتی حاضر نشدند با نماینده او در باب ارسال اسلحه به مذاکره بپردازند. این رفتار شوروی صدام را متوجه پیامدهای وابستگی کرد. شورویها از ۱۹۵۸ به بعد تدریجاً عراق را از لحاظ نظامی به خود وابسته کرده بودند. آنان اسلحه فراوانی به عراق می فروختند و ولی امور نگهداری و سرویس آن اسلحه ها را خود به عهده داشتند. به عنوان مثال، عراق نخستین کشوری بود که در خارج از محدوده پیمان ورشو جنگنده های میگ ۲۱ دریافت کرد ولی تا سالها عراقیها اجازه نداشتند نحوه نگهداری و سرویس آنها را بیاموزند. صدام تصمیم گرفت به این وابستگی خاتمه دهد. در اواخر ۱۹۷۴ کمیته سه نفره ای تشکیل داد موسوم به «کمیته برنامه ریزی استراتژیک». وظیفه این کمیته آن بود که عراق را از لحاظ نظامی مستقل سازد. کمیته مزبور کوشید از دوره به این هدف نایل آید: حتی الامکان از کشورهای بیشتری اسلحه خریداری کند، مهمتر از این، صنایع نظامی نیرومندی در خود عراق به وجود آورد تا هیچ گونه تحریمی در آینده نتواند کارساز باشد.

ارتباط فرانسوی

فرانسه بیش از هر کشور غربی دیگری اشتیاق داشت به این نیاز صدام حسین پاسخ مثبت دهد. صدام حسین در پنجم سپتامبر ۱۹۷۵ شخصا به پاریس رفت تا قرارداد استراتژیک مهمی را با فرانسه امضا کند. این قرارداد باب فروش سلاحهای فرانسوی و نیز انتقال تکنولوژی هسته ای را به عراق گشود.

ولی در ۱۹۷۵ برژنف و کاسیگین موافقت نکردند که به عراق تکنولوژی پیشرفته تر بفروشند. صدام به فرانسویها روی آورد و آنان نیز با روی گشاده از او استقبال کردند.

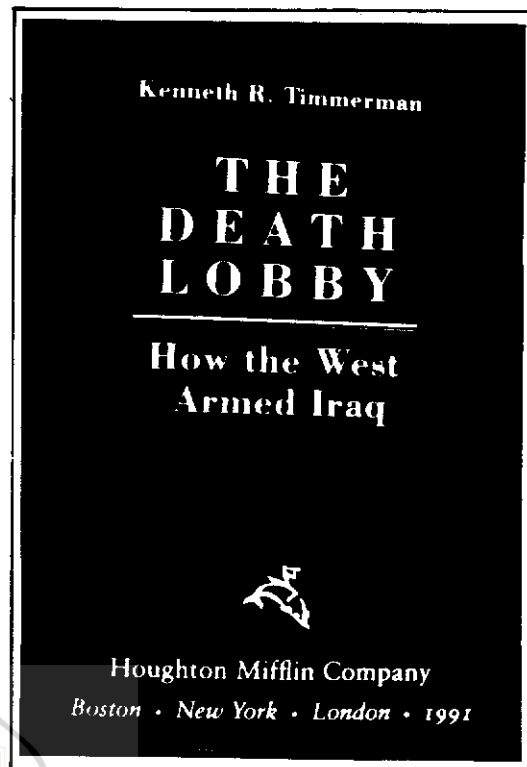
فرانسه موافقت کرد دو راکتور اتمی به عراق بفروشد و نیز موادی را که با آنها می شد چند بمب هسته ای ساخت به قدرت بمبی که امریکاییها بر هیروشیما افکندند. پس از آنکه قرارداد مربوط به این معامله به امضا رسید، صدام در مصاحبه با هفته نامه لبنانی *الاسبوع العربی* گفت «قرارداد با فرانسه نخستین گام مشخص در جهت تولید سلاح هسته ای عربی است» و با این گفته شکی باقی نگذاشت که چه هدفی را دنبال می کند اما هیچ کس، به ویژه در فرانسه، ککش نگزید.

فرانسه بر اساس قرارداد مزبور، که سه میلیارد دلار به جیبش سرازیر می ساخت، متعهد شد ۶۰۰ نفر تکنیسین هسته ای برای عراق تربیت کند. عراق بدین ترتیب نیروی علمی و فنی لازم برای ساختن بمب هسته ای را به دست می آورد.

صدام حسین در همین زمان مقادیر زیادی اسلحه از فرانسه و شوروی خرید، و شورویها که هیچ مایل نبودند بازار پر سود عراق را از دست بدهند موافقت کردند تکنولوژی هسته ای هم به عراق بفروشند. عراق اکنون کم کم داشت به یک نیروی نظامی مهم تبدیل می شد اما عطش صدام حسین بیش از اینها بود. او در صدد بر آمد به سلاحهای شیمیایی نیز دست یابد. سلاحهای شیمیایی به اعتقاد او «چند برابر کننده نیرو» (*force multiplier*) بود و تکنولوژی آن هم به آسانی می توانست در دسترس کشور در حال توسعه ای نظیر عراق قرار بگیرد.

عراق برنامه تولید سلاحهای شیمیایی را در چارچوب وزیر پوشش برنامه های توسعه کشاورزی در برنامه پنج ساله دوم گنجانده تا بتواند به تکنولوژی و مواد لازم دست یابد بی آنکه با مخالفت بین المللی مواجه شود.

در اواخر سال ۱۹۷۵ صدام کوشید از ایالات متحده تکنولوژی گازهای سمی بخرد، ولی موفق نشد. آن گاه به دو شرکت انگلیسی متوسل شد. باز هم موفق نشد. سپس بخت خود را در ایتالیا آزمود که گویا به آنچه می خواست رسید. اما دولت آلمان شرقی، وقتی صدام به آن کشور روی آورد، اشتیاق فراوانی نشان داد که در تولید سلاحهای شیمیایی به یاری عراق بشتابد. ساختمان مرکز پژوهشهای هسته ای عراق در ۲۴ کیلومتری جنوب بغداد حالا به جایی رسیده بود که نگرانیها و اعتراضهایی به ویژه در کشورهای اسراییل و انگلیس و عربستان سعودی و سوریه برانگیخت. اعتراضها تا حد زیادی متوجه فرانسه بود که راکتورهای هسته ای عراق را می ساخت. ژنرال دستن، رئیس جمهور وقت فرانسه، برای آنکه صدای این اعتراضها را



صدام تنها در پی آن نبود که از فرانسه اسلحه بخرد. او خواهان استقلال بود و به همین دلیل می بایست وسایل و دانش نگهداری و سرویس سلاحها و به ویژه وسایل و دانش تولید آنها را هم به دست آورد. فرانسویها، بر خلاف شورویها که اطلاعات مربوط به سرویس سلاحها را از عراقیها پنهان نگه می داشتند، آماده بودند هر چیزی را که صدام می خواست، و از جمله تکنولوژی تولید سلاحهای هسته ای، به او بفروشند مشروط بر اینکه پولش را بپردازد. این بود که فرانسه نخستین شریک پرویا قرص عراق در ایجاد و گسترش صنایع نظامی آن کشور شد.

باید گفت فرانسه همان قدر به صدام نیاز داشت که صدام به فرانسه. فرانسه هزینه تولید سلاحهای جدید خود را از سودی تأمین می کرد که از فروش اسلحه به دست می آورد. از سال ۱۹۷۴ به بعد که قیمت نفت و در نتیجه در آمد کشورهای نفت خیز افزایش زیادی یافت دو کشور بازار بالقوه ای برای صادرات اسلحه فرانسه شدند: ایران و عراق. ایران مشتری و متحد ایالات متحده بود و فرانسه می دانست که نمی تواند به رقابت با صنایع نظامی بسیار پیشرفته امریکایی برخیزد، ولی عمده ترین فروشنده اسلحه به عراق اتحاد شوروی بود و فرانسه به آسانی می توانست این بازار پر سود را از چنگ آن کشور بیرون بیاورد.

برنامه پژوهشهای هسته ای عراق از دهه ۶۰ آغاز شده بود. شورویها نخستین راکتور هسته ای عراق را در این دهه ساختند و دست کم ۱۰۰ فیزیکدان هسته ای برای آن کشور تربیت کردند،

این رویدادها به عراق موقعیت خاصی بخشید. تحلیل گران وزارت امور خارجه آمریکا حالا اشاره می‌کردند به اینکه صدام حسین ضد کمونیست قسم خورده‌ای است و خوشحال بودند که او به اتفاق رهبران محافظه‌کار عرب تجاوز شوروی را به خاک افغانستان محکوم کرده است. سیاست خارجی عراق در این زمان اصولاً به راست گرایش پیدا کرده بود. صدام حسین پیوندهای خود را با عربستان سعودی، که تنها متحد باقیمانده آمریکا در منطقه بود، تقویت کرده بود و قرارداد ضد شوروی مهمی با آن کشور امضا کرده بود که بر اساس آن دو کشور متعهد شده بودند به یاری یمن شمالی برخیزند که درگیر جنگ با کمونیستهای یمن جنوبی بود. صدام قول داده بود که ارتش عراق «یمن جنوبی را از قید مأموران کمونیست و اربابان نشان آزاد کند». انقلاب اسلامی ایران، حمله شوروی به افغانستان، حمله کمونیستهای طرفدار شوروی به یمن شمالی، و چرخش سیاست خارجی عراق به راست، باعث شد که آمریکا عراق را نیرویی به حساب بیاورد که می‌تواند سدی در برابر امواج انقلاب اسلامی و نیز توسعه‌طلبی شوروی باشد.

صدام حسین هم خرده‌حسابی با ایران داشت که مایل بود آن را تسویه کند. او موافقتنامه‌ای را که در ۱۹۷۵ به اجبار با شاه امضا کرده بود و امتیازهای ارضی مهمی را که در نتیجه این موافقتنامه به ایران داده بود هیچ دوست نداشت و مطمئن بود که می‌تواند چیزهایی را که از دست داده بود پس بگیرد و حتی از طریق عملیات نظامی سریع حکومت انقلابی و ضد امریکایی ایران را سرنگون سازد.

این حسابها باعث شد آمریکا به عراق تمایل پیدا کند و عراق به آمریکا، و چون هنوز بین دو کشور روابط دیپلماتیک برقرار نبود (عراق پس از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در ۱۹۶۷ روابط دیپلماتیک خود را با آمریکا قطع کرده بود) تصمیم گرفته شد مقامات دو دولت مخفیانه با هم تماس بگیرند. طبق نوشته نیویورک تایمز برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر به عمان پایتخت اردن پرواز کرد و در نخستین هفته ژوئیه ۱۹۸۰ با رهبر عراق ملاقات کرد تا با او در این باره که دو کشور چگونه می‌توانند فعالیت‌هایشان را «علیه سیاستهای جسورانه ایران» هماهنگ کنند به مذاکره بپردازد. اگر موضوع مذاکرات همین بوده باشد که نیویورک تایمز نوشته است باید دیدار صدام و برژینسکی را نوعی «شورای جنگ» خواند.

البته برژینسکی تکذیب کرده است که با شخص صدام روبه‌رو شده است، ولی شکی وجود ندارد که او به عمان رفته و احتمالاً با یک شخصیت بلندپایه عراقی مذاکره نموده است. گری سیک، دستیار سابق برژینسکی، در مصاحبه‌ای گفته است برژینسکی

بخواهاند به کمیسیون انرژی اتمی فرانسه دستور داد سوخت «پاکیزه» ای برای رآکتورهای عراق بسازد تا هم قرارداد هسته‌ای پر سود خود را با صدام حسین حفظ کند و هم نگرانی کشورهای دیگر را از گسترش سلاحهای هسته‌ای از بین ببرد. کمیسیون مزبور سوخت جدیدی ساخت که نمی‌شد آن را در بمب هسته‌ای به کار برد، ولی صدام حسین این سوخت را نپذیرفت و فرانسه را تهدید کرد که اگر بر سر تصمیم خود پای بفشرد قراردادهای بازرگانی شیرین و آبدارش را با آن کشور لغو خواهد کرد. فرانسه هم جا زد. چه می‌شد کرد که آزمندی بر عقل می‌چربید. با این همه صدام حسین آموخته بود که نباید خود را تنها به یک شریک پایبند کند. در سال ۱۹۷۹، در حالی که فرانسویها داشتند ساختمان رآکتورهای او را به پایان می‌رساندند، قرارداد همکاری هسته‌ای ده ساله‌ای نیز با برزیل منعقد ساخت. این قرارداد برزیل را متعهد می‌کرد که مقادیر زیادی اورانیوم طبیعی و غنی شده، تکنولوژی رآکتور، و امکانات آموزشی در اختیار عراق قرار دهد. صدام با هندوستان و چین هم قراردادهایی بست و از امکانات هسته‌ای آن دو کشور سود جست. آخرین کشورهایی که به این «باشگاه مرگ» پیوستند ایتالیا و آلمان غربی بودند که آخرین لا براتوارها و تجهیزات و موادی را به عراق فروختند که آن کشور لازم داشت تا بتواند سلاحهای هسته‌ای بسازد.

امریکا هم وارد گود می‌شود

ایالات متحده آمریکا تا آخر دهه ۷۰ متحد شاه و فروشنده عمده سلاح به ایران بود و چندان دل خوشی از دستیابی عراق به سلاحهای پیشرفته نداشت. ولی چون نمی‌توانست از دستیابی عراق به این گونه سلاحها جلوگیری کند، می‌کوشید ایران از این لحاظ همواره مجهزتر از عراق باشد تا صدام حسین خیال توسعه‌طلبی در سر نبرد. ولی انقلاب اسلامی ایران این تعادل استراتژیک را به کلی برهم زد. متحد اصلی آمریکا در منطقه خلیج فارس از تخت سلطنت به زیر کشیده شد و هیچ کس دیگری هم نبود که بتواند جای او را بگیرد و مدافع و تضمین‌کننده منافع آمریکا در منطقه شود. دولت کارتر ابتدا کوشید دولت انقلابی ایران را متقاعد سازد که به همکاری امنیتی خود با ایالات متحده ادامه دهد ولی هرگونه توهمی در مورد همکاری با ایران انقلابی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ بر باد رفت. در این روز ۳۰۰۰ دانشجوی پیرو خط امام سفارت آمریکا را در تهران اشغال کردند و دیپلماتهای آن کشور را به گروگان گرفتند. آمریکا که علاوه بر این تحقیر بی‌سابقه می‌ترسید امواج انقلاب اسلامی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را نیز فرا بگیرد و منافع غرب را به خطر بیندازد به دشمنی علنی با جمهوری اسلامی ایران برخاست.

دستیابی عراق به بمب هسته‌ای نگران بود تنها راه جلوگیری از این امر را ویران کردن کارخانه هسته‌ای آن کشور دید و چنین نیز کرد. این رویداد برنامه تولید سلاح‌های هسته‌ای عراق را چند سالی به عقب انداخت. از این رو، صدام حسین اولویت ویژه‌ای به تولید سلاح‌های شیمیایی داد که تأثیر مخرب آن خصوصاً در روحیه سربازان دشمن کم از سلاح‌های هسته‌ای نبود ولی آسانتر می‌شد آنها را تولید کرد و به کار برد.

شکست عراق در خرمشهر و بازتابها

عراق، علی‌رغم تمام سلاح‌ها و تجهیزاتی که از کشورهای دیگر دریافت می‌کرد، در ۲۶ اسفند ۱۳۶۰ شکست سختی از ایران خورد. پاسداران انقلاب ارتش سوم عراق را در خرمشهر تار و مار کردند و هزاران سر باز و افسر عراقی را به اسارت گرفتند. سپس به تعقیب ارتش چهارم عراق که سخت درهم ریخته بود پرداختند و از خاک ایران بیرونشان انداختند. این شکست نیز صدام حسین را در کار تولید سلاح‌های شیمیایی مصمم‌تر کرد.

شکست ارتش عراق و بیرون رانده شدنش از خاک ایران ایالات متحده آمریکا را سخت نگران کرد. ریچارد مورفی، که در آن هنگام سفیر آمریکا در عربستان سعودی بود، بعدها گفت: «ما نگران سرایت تشیع انقلابی بودیم. می‌دانستیم سایر کشورهای خلیج فارس که جمعیت شیعه بزرگی دارند نمی‌توانند در برابر تحریکات بسیار ایستادگی کنند. ناگزیر این سیاست را پیش گرفتیم که جنگ را پایان بدهیم. این درصدها اولویتهای ما قرار گرفت.» وزارت امور خارجه آمریکا بلافاصله پس از فتح خرمشهر عراق را از فهرست کشورهای مظنون به حمایت از تروریسم بین‌المللی خارج ساخت تا دولت آمریکا بتواند به آن کشور کمک کند و اسلحه بفروشد. در سپتامبر همان سال آمریکا ۶۰ هلیکوپتر هیوز و مقدار زیادی قطعات یدکی به عراق فروخت. هلیکوپتر هیوز را می‌شود به موشک ضد تانک «تاو» (TOW) مجهز ساخت که موشک بسیار پیشرفته‌ای است. آمریکا این موشکها را به عراق فروخت ولی مأموران صدام به آسانی توانستند تعدادی از آنها را در بازار سیاه بین‌المللی بخرند و در هلیکوپترهای هیوز خریداری شده از آمریکا نصب کنند.

شورویها هم که دیگر پاك نامید شده بودند از اینکه بتوانند در دولت انقلابی ایران نفوذ کنند فروش اسلحه به عراق را از سر گرفتند. در نوامبر ۱۹۸۲ بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ مشاور روسی به عراق بازگشتند. تا این تاریخ ۴۰۰ تانک تی ۵۵ و ۲۵۰ تانک تی ۷۲ وارد عراق شده بود و تعداد زیادی از موشکهای مختلف، از جمله موشکهای سام ۹ و اسکاد-بی، و نیز هواپیما و هلیکوپتر در راه بود.

انقلاب اسلامی را تهدیدی بر ضد منافع ایالات متحده در منطقه می‌دانست و معتقد بود يك عراق نیرومند می‌تواند سدی در برابر نیت توسعه‌طلبانه رهبران انقلابی ایران باشد. گری سیک در همین مصاحبه گفته است: «برژنسکی به صدام فهماند ایالات متحده در برابر حمله او به ایران چراغ سبز روشن خواهد کرد، بدین صورت که هیچ چراغ قرمز واضحی در کار نخواهد بود.»

صدام حسین روز ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ در مجلس ملی عراق سخنرانی کرد و در همین سخنرانی در برابر دوربینهای تلویزیون موافقتنامه صلح ۱۹۷۵ را که خود او امضا نموده بود پاره کرد و پنج روز بعد به سر بازانش دستور داد به خاک ایران حمله کنند به این امید که در ظرف چند روز دولت انقلابی ایران را شکست دهد. این حمله با موافقت و احتمالاً تشویق امریکا صورت گرفته بود، ولی شورویها که در آن روزها از دشمنی متقابل ایران و امریکا به وجد آمده بودند و قصد نفوذ در ایران را داشتند از حمله عراق به ایران ناخشنود بودند و از فروش اسلحه به صدام خودداری ورزیدند.

این تحریم دوم شوروی تأثیر چندانی نداشت زیرا عراقیها در ظرف پنج سال گذشته خود را از قید يك یا چند فروشنده معدود خلاص کرده بودند و از منابع متعدد و مختلفی سلاحهای مورد نیازشان را می‌خریدند. وقتی شورویها از فروش اسلحه به آنان خودداری ورزیدند به فرانسویان مراجعه کردند. فرانسویان بین سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰ چهار میلیارد دلار اسلحه به صدام حسین فروخته بودند. حالا هم ۶۰ میراژ به عراق فروختند و نیز موشکهای دفاع هوایی رولان به ارزش ۲۹ میلیارد دلار.

فرانسه تنها کشوری نبود که از تحریم اسلحه شوروی سود برد. مصر هم يك میلیارد دلار اسلحه روسی را که در انبارهای خود ذخیره داشت به عراق فروخت. این فروش با موافقت دولت کارتر صورت گرفت. چین نیز همین مبلغ اسلحه، از جمله تانک و توپ و نفریر، به عراق فروخت. آلمانیها هم شروع به ساختن يك لابراتوار شیمیایی برای عراق کردند که به ظاهر بخشی از يك برنامه پژوهشی «دانشگاهی» بود ولی در واقع قرار بود در آن گازهای سمی تولید گردد.

اسرائیل در ۷ ژوئن ۱۹۸۱ کارخانه هسته‌ای عراق را ویران کرد. در بهار آن سال بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از مرکز هسته‌ای عراق دیدار کرده بودند و گرچه آژانس رسماً اعلام نمود که عراق از مفاد پیمان عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای تخطی ننموده است، یکی از بازرسان آن سازمان به نام رابرت ریختر آژانس بین‌المللی را متهم به غفلت نمود و اعلام کرد عراق قادر است تا ۱۹۸۳ يك بمب بسازد و از ۱۹۸۵ به بعد نیز هر ساله پنج بمب. اسرائیل که بیش از هر کشور دیگری از

بود)، بازرسان سازمان ملل که جهت تحقیقات به محل رفته بودند در بدنه يك بمب علایمی کشف کردند که نشان می داد آن بدنه در اسپانیا ساخته شده و «ماشه» های الکترونیکی هم که بمب های شیمیایی را منفجر می کرده ساخت اسپانیا بوده است. هلند و ایتالیا نیز علی رغم تعهدات قانونی که در چارچوب جامعه اروپا به گردن داشتند مواد شیمیایی لازم برای تولید گازهای سمی را به عراق فروختند. اما شریك اصلی عراق در این برنامه آلمان بود. در ۳۰ مارس ۱۹۸۴ روزنامه نیویورک تایمز نوشت منابع اطلاعاتی امریکا کشف کرده اند که يك شرکت آلمانی، موسوم به کارل کولب (Karl Kolb GmbH)، يك کارخانه سلاح های شیمیایی در سامره ساخته است. کارل کولب در رأس کنسرسیومی از شرکتهای آلمانی بود که به ظاهر يك کارخانه مواد «آفت کش» در سامره ساخته بود ولی این کارخانه به واقع گاز سمی تولید می کرد. گفته می شد در آن هنگام عراق پنج کارخانه گاز سمی داشت که یا در حال تولید بودند یا کارهای ساختمانی آنها نزدیک به اتمام بود.

گزارش نیویورک تایمز هلموت کهل صدر اعظم آلمان را خشمگین ساخت. البته خشم او متوجه کارل کولب نبود که ماشین مرگ صدام حسین را به چنین سلاح مرگباری مجهز کرده بود، بلکه متوجه نیویورک تایمز و سازمان سیا بود که این خبر را درز داده بودند.

کارخانه ای که آلمان در سامره ساخته بود تا پایان ۱۹۸۴ به تولید کامل رسید و طبق تخمین منابع اطلاعاتی انگلیس و امریکا روزانه ۶۰ تن گاز خردل تولید می کرد. تولید سارین و تابون هم تازه آغاز شده بود و در ظرف يك سال به ماهانه هشت تن رسید. ولی مهمتر از کارخانه گازهای سمی سامره، مجتمع شیمیایی بزرگی بود که در ۶۰ کیلومتری غرب بغداد ساخته شده بود. این مجتمع، که نام رمزی «پروژه ۹۲۳۰» داشت و آن را کنسرسیومی از شرکتهای آلمانی و در رأس آنها دبلیو تی بی (Walter-Thosti-Boswau) ساخته بود، می توانست روزانه ۱۷۶ تن پیش ماده های شیمیایی گاز اعصاب تولید کند و به همین دلیل نقش مهمی در بی اثر کردن هر نوع تحریم بین المللی داشت. از این به بعد عراق خود می توانست پیش ماده های سارین و تابون را تولید کند و دیگر نیازی به فروشندگان اروپایی و امریکایی نداشت. در مجتمع مزبور همچنین تری کلرور فسفر و اوکسی-کلرور فسفر ساخته می شد که در تولید گاز اعصاب به کار می روند.

صدام حسین ضمن تلاش در جهت تولید سلاح های شیمیایی در پی آن بود که موشک هم بسازد. عراق از ۱۹۸۴ به بعد با موشکهای اسکاد-بی ساخت شوروی شهرهایی از ایران را که به مرز نزدیک بودند موشک باران می کرد ولی ایرانیان آن شهرها را

فرانسویها هم با فروش پنج جنگنده- بمب افکن سوپر اتاندار و موشکهای ضد کشتی آگزوسه به کمک صدام حسین آمدند. عراقیها می توانستند با این موشکها ضربه های سختی به اقتصاد ایران وارد بیاورند زیرا تمام نفت ایران به وسیله کشتی به بازارهای بین المللی حمل می شد.

صدام حسین تا اواسط ۱۹۸۳ تمام ذخایر ارزش خارجی عراق را که بالغ بر ۳۵ میلیارد دلار می شد به باد داده بود و از عربستان سعودی و کویت هم تا جا داشت وام گرفته بود و خرج کرده بود. عراق سالانه ۱۴ میلیارد دلار اسلحه جدید می خرید که درست نیمی از تولید ناخالص ملی آن کشور بود. بنابراین روشن است که از اواسط ۱۹۸۳ به بعد دیگر نمی توانست بدون کمک مالی کشورهای غربی به خرید اسلحه در چنین سطح وسیعی ادامه دهد. ایالات متحده به یاری صدام برخاست و دیری نگذشت که یکی از عمده ترین منابعی شد که پول و اعتبار در اختیار عراق می گذاشت. از جمله، در دسامبر ۱۹۸۲ از طریق «شرکت اعتبار کالا» (Commodity Credit Corporation) که شرکتی است وابسته به وزارت کشاورزی امریکا مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار اعتبار جهت خرید گندم و برنج در اختیار عراق گذاشت و در اواسط سال ۱۹۸۳ مبلغ این اعتبار را ۲۰ درصد افزایش داد و آن را تا پایان همان سال به بیش از يك میلیارد دلار رساند.

«شرکت اعتبار کالا» تنها شرکت امریکایی نبود که پول و اعتبار در اختیار صدام حسین قرار می داد. شعبه بی ان ال (BNL - Banca Nazionale del Lavoro)، بزرگترین بانک دولتی ایتالیا) در آتلانتای امریکا هم حدود ۴ میلیارد دلار اعتبار به عراق داد. کنت تیمرمن می نویسد صدام به این دلیل از کمکهای مالی فراوان عموماً برخوردار بود که «عراق پیروزی ایرانیان را در جنگ ایران-عراق، که ثبات متحدان ایالات متحده را در خلیج فارس به خطر می انداخت، مانع شده بود و بدین ترتیب به منافع اشتراکات امریکا خدمت می کرد. درست است که دولت ایالات متحده بر خلاف فرانسه و سایر نیروهای غربی آشکارا به عراق سلاح های تهاجمی نمی فروخت، ولی اعتباراتی که وزارت کشاورزی جهت خرید غلات در اختیار عراق می گذاشت سایر داراییهای آن کشور را آزاد می ساخت تا به مصرف خرید اسلحه برسد و لذا پس از فروش سلاحهای تهاجمی بهترین چیز بود.»

آلمان و سلاح های شیمیایی و موشکهای عراق

گفتیم که صدام حسین سخت در پی تولید سلاح های شیمیایی بود، ولی او بدون کمک کشورهای غربی قادر به تولید این سلاحها نبود. وقتی عراق در جزایر مجنون سربازان ایرانی را بمباران شیمیایی کرد (این نخستین حمله شیمیایی عراق در مقیاس وسیع

تخلیه کرده بودند و حمله‌های موشکی تأثیر چندانی در روحیه آنان نداشت. موشک‌های اسکاد-بی فقط می‌توانست هدف‌هایی را که تا کمتر از ۳۰۰ کیلومتر فاصله داشتند در هم بکوبد و از این رو شهرهای بزرگ ایران، و از جمله تهران، دور از برد آنها بودند. صدام حسین در صدد بود موشکی بسازد که بتواند به تهران برسد (تهران در ۵۵۰ کیلومتری مرز عراق قرار دارد). او بدون کمک کشورهای دیگر قادر به این کار نبود. در اوایل سال ۱۹۸۴ از طریق مهندسان آلمانی که در عراق کار می‌کردند خبر یافت که آرژانتین دارد به کمک شرکت‌های آلمانی موشکی به نام کوندور می‌سازد. عراق علاقه‌مند شد که در تولید موشک مزبور مشارکت کند، ولی چون شرکت مستقیم عراق توجه جهانیان را جلب می‌کرد و ممکن بود مشکلاتی پیش بیاورد قرار شد عراق از طریق یک دوست مصری، یعنی فیلدمارشال ابوغزاله که در آن هنگام وزیر دفاع مصر بود، به این برنامه بپیوندد و چنین نیز کرد. صدام، علاوه بر مشارکت در تولید موشک کوندور، در همان اوایل ۱۹۸۴ با شرکت گیلده مایستر آلمانی نیز قراردادی جهت طراحی و ساختمان یک مرکز پژوهش و تولید و آزمایش موشک در نزدیکی شهر موصل امضا کرد. عراق و گیلده مایستر برای آنکه ماهیت نظامی این برنامه را بپوشانند آن را یک مجتمع «تحقیقات دانشگاهی» خواندند.

صدور تکنولوژی پیشرفته موشکی به عراق که عمدتاً از طریق دو برنامه فوق انجام گرفت صدام حسین را سرانجام به هدف خود رساند: عراق توانست موشک اسکاد را طوری دستکاری کند که برد آن بیشتر شود. توضیح فنی این دستکاری در حوصله مقاله حاضر نمی‌گنجد. فقط باید گفت که از سه موشک اسکاد دو موشک جدید ساختند و نام الحسین بر آن نهادند. موشک الحسین قادر بود به تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران برسد. در ۲۹ فوریه ۱۹۸۸ نخستین حمله موشکی عراق به تهران صورت پذیرفت و جنگ دو کشور وارد مرحله جدیدی شد که «جنگ شهرها» نام گرفت. عراق در جنگ شهرها مجموعاً ۱۸۹ بار با موشک به تهران و پنج شهر بزرگ دیگر ایران حمله کرد.

صدام حسین علاوه بر موشک باران تهران و شهرهای بزرگ دیگر سلاح‌های شیمیایی را نیز وسیعاً و بدون آنکه با اعتراض جدی و بازدارنده بین‌المللی روبه‌رو شود، علیه ایران به کار برد. نویسنده کتاب حامیان مرگ می‌نویسد عراقیها «طی سالها ۲۰۰۰ روستا را در ایران با این آمیزه مرگبار [سیانید هیدروژن، گاز خردل، سارین، و تابون] بمباران کردند». ولی وحشت‌انگیزترین و ددمنشانه‌ترین حمله شیمیایی صدام حسین حمله‌ای بود که خود مردم عراق آماج آن بودند.

این حمله شیمیایی به حلبچه، پس از آنکه سربازان ایرانی آن

شهر کرد نشین را تصرف کردند، صورت گرفت. صدام حسین که معتقد بود کردهای شهر با ایرانیان «همدستی» کرده‌اند کل جمعیت آن شهر کوچک را به مرگ محکوم کرد. ارتش صدام دو روز تمام شهر را با ترکیبی از سیانید هیدروژن مسموم ساخت که به کمک یک شرکت آلمانی در کارخانه گازهای سمی سامره تولید کرده بود. این ترکیب شبیه همان گاز سمی بود که نازیها بیش از چهل سال پیش یهودیان را با آن قتل عام کرده بودند. در حمله شیمیایی صدام به حلبچه ۵ هزار غیر نظامی، بیشترشان کودک و زن و پیر، به فجیع‌ترین شکلی کشته شدند و ۷ هزار نفر دیگر نیز برای همیشه معیوب گردیدند. صدام حسین حتی لازم ندید این جنایت هولناک خود را بپوشاند. آشکارا اعلام کرد تصمیم گرفته بود کردهای شهر را که مرتکب «جنایت همدستی» با دشمن شده بودند تنبیه کند.

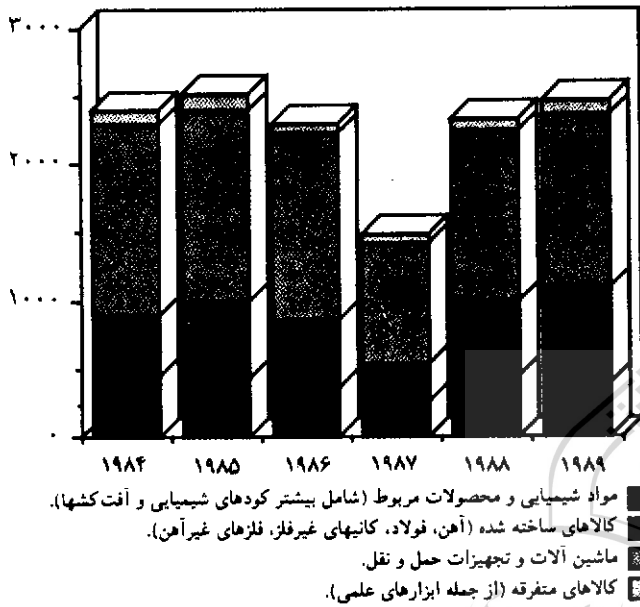
ولی، بگذاریم که صدام حسین با سلاح‌های شیمیایی چه بر سر مردم ایران آورد، میل کشتار عام با این سلاح وحشت‌انگیز چندان در او قوی بود که باز هم آن را بر ضد مردم عراق به کار برد. پس از آنکه ایران قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را پذیرفت و بین دو دولت ایران و عراق آتش بس برقرار شد، صدام حسین به ۶۰ هزار سر باز عراقی فرمان داد شهرها و روستاهای کرد نشین را نابود کنند. هدف او این بود که تا ممکن است کردها را از خاک عراق بیرون براند و مسئله کردها را به سبک خود حل کند. او برای نیل به این هدف به طور گسترده‌ای، حتی گسترده‌تر از حلبچه، از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد.

با آنکه این جنایات صدام در مطبوعات و سایر رسانه‌های گروهی جهان به طور وسیع انعکاس یافت و وجدان جهانیان را سخت تکان داد، و با وجودی که مجلس سنای امریکا لایحه‌ای را به تصویب رساند که طی آن از دولت امریکا خواست مجازات‌هایی علیه دولت عراق اعمال کند، ایالات متحده همچنان به حمایت خود از صدام حسین ادامه داد و حتی او را از حمایت اقتصادی و سیاسی بیشتری برخوردار کرد، و از این سیاست تا روزی که صدام حسین به کویت حمله نمود دست برداشت.

البته فقط حمله صدام به کویت نبود که امریکا و سایر کشورهای غربی را به جنگ با او کشاند. حقیقت این بود که ماشین جنگی صدام به فرانکشترین نیرومندی تبدیل شده بود که حالا، پس از خاتمه جنگ ایران و عراق، کمر به دشمنی سازندگانش بسته بود و منافع حیاتی آنان را تهدید می‌کرد. تا شش ماه پیش از حمله عراق به کویت سازمان‌های اطلاعاتی غرب تصور می‌کردند که عراق زودتر از ۵ تا ۱۰ سال دیگر نمی‌تواند به بمب هسته‌ای دست یابد، ولی در آستانه آن حمله آژانس اطلاعات وزارت دفاع امریکا از طریق عکس‌های ماهواره‌ای و منابع دیگر اطلاعاتی به دست آورد که نشان می‌داد عراق در این زمینه بسیار

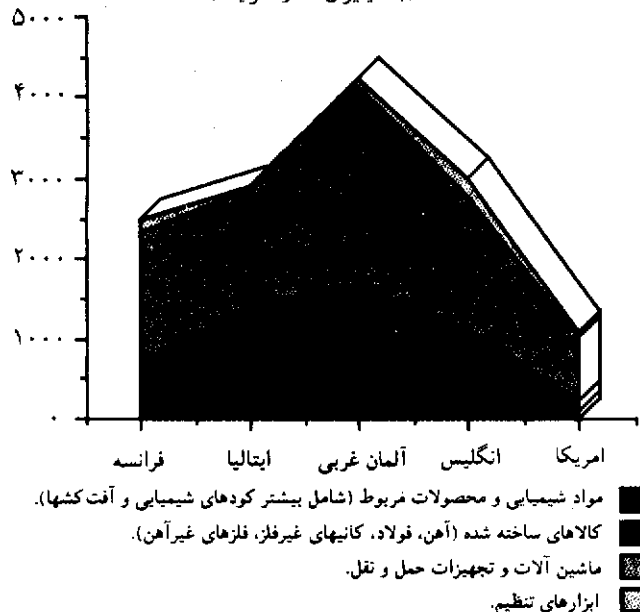
پیشرفته‌تر از آن است که تصور می‌شد. یکی از تحلیل‌گران پنتاگون گفته است: «ناگهان دریافتیم که صدام تنها شش ماه تا یک سال با بمب فاصله دارد. این است که زنگ خطر را به صدا در آوردیم.» و حمله ابلهانه صدام به کویت فرصت خوبی در اختیار غرب قرارداد تا دست و پای فرانکشینی را که خود ساخته بود قلم کند.

صادرات تکنولوژی پیشرفته به عراق بر حسب نوع صادرات/ سال
(به میلیون دلار آمریکا)



و نمودار زیر نشان می‌دهد که کشورهای غربی در چه زمینه‌هایی چه مقدار دلار تکنولوژی پیشرفته به عراق فروختند:

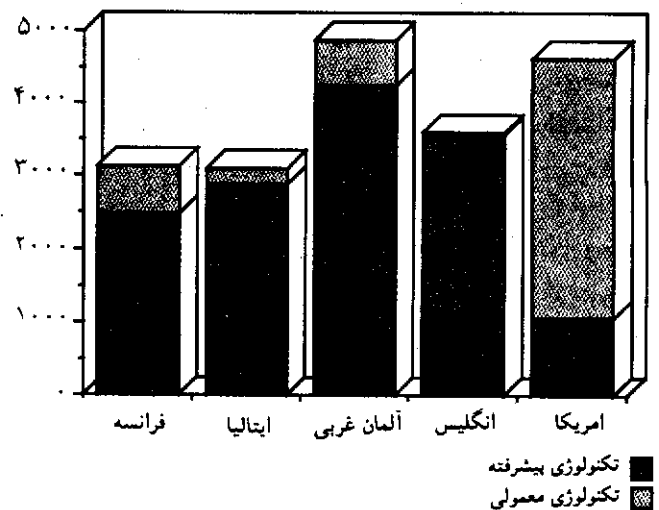
مجموع فروش تکنولوژی پیشرفته به عراق بر حسب کشور/ نوع صادرات
(به میلیون دلار آمریکا)



باید گفت هم اردوگاه شرق که اکنون فرو پاشیده است و هم کشورهای غربی و هم کشورهای جهان سوم در ساخته شدن ماشین مرگ عراق سهم بوده‌اند. جدول صفحه روبرو نشان می‌دهد که از ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ چه کشورهایی چه نوع سلاحهایی با چه قیمت‌هایی به عراق فروخته‌اند.

ولی، همچنان که نمودار زیر نشان می‌دهد، سهم غرب در صدور تکنولوژی پیشرفته به عراق بیش از کشورهای سوسیالیستی سابق و جهان سوم است. این تکنولوژی پیشرفته بود که ماشین جنگی صدام را به مرگبارترین سلاحهای کشتار عام، و از جمله سلاحهای شیمیایی و موشکهای برد متوسط، مجهز ساخت و دور نبود که به بمب هسته‌ای نیز مجهز سازد. کنت تیمرمن، نویسنده کتاب حامیان مرگ، حق دارد که می‌نویسد: «ماشین مرگ صدام حسین را تقریباً شرکت‌های غربی ساختند. بیشتر نزدیک به تمام ابزارها، کامپیوترها، و تجهیزات آزمایشی که لازم بودند تا موشکها و بمبها و گلوله‌ها و توپها ساخته

صادرات تکنولوژی پیشرفته به عراق از ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۹
(به میلیون دلار آمریکا)



شوند کاملاً به طور قانونی به وسیله شرکت‌هایی فراهم آمدند که اجازه‌نامه‌های صادراتی اخذ کرده بودند.» نمودار فوق همچنین نشان می‌دهد که سهم آلمان در صادرات

فروش اسلحه به عراق از ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰*

| Weapons System | Type | Year | Qty. | Price | Country | Weapons System | Type | Year | Qty. | Price | Country |
|-----------------------|----------------|------|----------|---------|--------------|---------------------------------|------------------|------|--------|---------|--------------|
| AML 6090 | AFV | 1970 | 120 | N/A | France | Mi-24 Hind-C | Att/helicopter | 1983 | 10 | - | USSR |
| Alouette III SA-316 | Helicopter | 1971 | 16 | N/A | France | Mi-8 Hip | Assault heli | 1983 | 30 | - | USSR |
| Jezebel SA-342 | Helicopter | 1974 | 40 | N/A | France | MiG 21BIS | Fighter | 1983 | 61 | - | USSR |
| Alouette III SA-316 | Helicopter | 1974 | 36 | \$18.8m | France | Tank transporters | | 1983 | 2,000+ | - | USSR |
| EE-9 Cascavel | AFV | 1976 | 600 | \$250m | Brazil | Shenyang F-7 | Fighter | 1984 | 20 | \$500m+ | Egypt |
| Panhard M3 | AFV | 1976 | 128 | N/A | France | BM-21 launcher | MRLS | 1984 | 200 | Package | Egypt |
| Puma SA-330 | Helicopter | 1976 | 3 | N/A | France | Artillery munitions | | 1984 | N/A | \$100m | Egypt |
| AS 11AS 12 | Missile sys | 1976 | N/A | \$14.7m | France | TRC-871 radio | Comm | 1984 | N/A | N/A | France |
| HOT | Missile sys | 1976 | 160 | N/A | Fr./W.Ger. | AB 212 | AS helicopter | 1984 | 8 | \$164m | Italy/US |
| AMX-10P | AFV | 1977 | 110 | N/A | France | PC-9 | Trainer | 1984 | 20 | N/A | Switz |
| Mirage F-1EQ2 | Fighter | 1977 | 36 | \$1.8b | France | PC-6 | Trainer | 1984 | 2 | N/A | Switz |
| Magic I | A/A missile | 1977 | N/A | Package | France | Bell 214 ST | Transport heli | 1984 | 48 | \$4.5b | US |
| Sup Frelon SA-321 | Helicopter | 1977 | 34 | - | France | T-55 | Tank | 1984 | 200 | \$4.5b | USSR |
| Exocet AM-39 | A/S missile | 1977 | 35 | \$21m | France | T-62 | Tank | 1984 | 300 | Package | USSR |
| Spare parts | Maintenance | 1977 | N/A | \$400m | France | T-72 | Tank | 1984 | 600 | - | USSR |
| MiG 23/27 | FGA | 1978 | 138 | \$3b | USSR | PT-76 | Amph tank | 1984 | 200 | - | USSR |
| SCUD B | S/S launcher | 1978 | 8 | Package | USSR | MiG 23BN/277 | FGA | 1984 | 50+ | - | USSR |
| Ilyushin 76 Candid | Transport a/c | 1978 | 167 | N/A | USSR | MiG 25 | Fighter | 1984 | 30 | - | USSR |
| M8 | Assault heli | 1978 | 7 | N/A | USSR | AA-6 Acrid | AA missile | 1984 | 60 | - | USSR |
| EE-11 Urutu | AFV | 1979 | 300 | \$63.2m | Brazil | AA-7 Apex | AA missile | 1984 | 300 | - | USSR |
| EE-9 Cascavel | AFV | 1979 | 180 | \$100m | Brazil | AA-8 Aphid | AA missile | 1984 | 500 | - | USSR |
| Mirage F-1EQ4 | Fighter | 1979 | 24 | \$3b | France | AS-4 Kitchen8 | A/S missile | 1984 | 24 | - | USSR |
| R560 Magic | A/A missile | 1979 | N/A | Package | France | MiG 23 ML | Fighter | 1984 | 20 | - | USSR |
| ERC-90 Sagaie | AFV | 1979 | 400 | - | France | MiG 23BN/27 | FGA | 1984 | 67 | - | USSR |
| Garlic SA-342 | Helicopter | 1979 | 85 | - | France | Il-76 | Trans/a/c | 1984 | 19 | - | USSR |
| HOT | Missile sys | 1979 | 260 | - | Fr./W. Ger. | SS12 Scaleboard?? | S/S missile | 1984 | 127 | - | USSR |
| HOT | Missile sys | 1979 | 144 | - | Fr./W. Ger. | AS-6 Kingfish | A/S missile | 1984 | 36 | - | USSR |
| Milan | AT missile sy | 1979 | 850 | - | Fr./W. Ger. | EE-11 Urutu | AFV | 1985 | 120 | \$60m | Brazil |
| AS-202 Bravo | Trainer a/c | 1979 | N/A | N/A | Switz | Artillery munitions | | 1985 | 50m | \$600m | Egypt |
| SA-6 Gainful | AD launcher | 1979 | 82 | \$104m | USSR | 122 mm field guns | Artillery | 1985 | N/A | Package | Egypt |
| SA-6 missile | AD missile | 1979 | 620 | \$209m | USSR | 130 mm field guns | | 1985 | N/A | - | Egypt |
| AA-2 Atoll | A/A missile | 1979 | 1,200 | \$36.3m | USSR | Mirage F-1 EQ5/6 | FGA | 1985 | 24 | \$1.5b | France |
| MiG-25 | Fighter | 1979 | 85 | N/A | USSR | Magic 1 | A/A missile | 1985 | N/A | Package | France |
| MiG-25R | Reccie | 1979 | 8 | N/A | USSR | AM-39 Exocet | A/S missile | 1985 | 96 | - | France |
| Artillery tubes | | 1980 | 6007 | \$1b | Egypt | Gazelle SA-342 | AT heli | 1985 | 7 | - | France |
| MiG 21 spares | Fighter parts | 1980 | N/A | Package | Egypt | CORAD | Radar | 1985 | 2+ | - | France |
| Mortars | | 1980 | 1,200 | - | Egypt | SDE-125 Manpack | Radio | 1985 | N/A | - | France |
| T-55 | Tank | 1980 | 280 | - | Egypt | Thomson 2215/2230 | 3-D radar | 1985 | \$100m | - | France |
| Tank engines | | 1980 | N/A | - | Egypt | Troposcatter microwave comm sys | | 1985 | N/A | N/A | GB |
| Small arms/explosives | | 1980 | N/A | - | Egypt | Jaguar freq. hopping | tactical radios | 1985 | N/A | N/A | GB |
| AT-3 Sagger | AT missile | 1980 | N/A | - | Egypt | Munitions | Artillery | 1985 | 80 M+ | \$900m | Egypt |
| Swingfire | AT missile | 1980 | N/A | - | Egypt | Sakr-30 (BM-21) | MRLS | 1985 | 80 | Package | Egypt |
| Shenyang F-6 | Trainer | 1980 | 40 | - | Egypt/China | Thomson 2215/2230 | 3-D radar | 1985 | 6 | \$100m | France |
| Saad 13 factory | Electronics | 1980 | N/A | \$900m | France | AM-39 Exocet | A/S missile | 1985 | 260 | \$416m | France |
| Faun | Tank transp | 1980 | N/A | N/A | W. Ger. | AS-30L | A/S missile | 1985 | 180 | N/A | France |
| T-59 (T-55E)/T-69 | Tank | 1980 | 1,200 | \$1b | China | Brandt 120mm | Mortar | 1985 | N/A | \$480m | France |
| T-72 | Tank | 1980 | 400 | \$640m | USSR | SDE 699 Microwave | Comm | 1985 | N/A | N/A | USSR |
| GNH-45 | Howitzer | 1981 | 300 | N/A | Austria | MiG 29 | Fighter | 1985 | 60 | \$600m | USSR |
| Kurassier | Lt tank | 1981 | 100 | \$230m | Austria | MiG 29 | FGA | 1985 | 60 | \$1b | USSR |
| Roland 2 | SA system | 1981 | 113 | \$2.9b | Fr./W.Ger. | Su-26 Frogfoot | Assault heli | 1985 | N/A | \$3b | USSR |
| HOT | Missile sys | 1981 | 300 | Package | Fr./W.Ger. | Mi-24 Hind-D | Assault heli | 1985 | 304 | Package | USSR |
| Martel | A/S missile | 1981 | N/A | - | France | AA-8 Aphid | AA missile | 1985 | 304 | Package | USSR |
| Magic II | A/A missile | 1981 | N/A | - | France | AA-7 Apex | AA missile | 1985 | 200 | - | USSR |
| Panhard VCR | AFV | 1981 | 100 | - | France | MiG 23 BN | FGA | 1985 | 30 | - | USSR |
| Lupo-class | Frigate | 1981 | 4 | \$2.6b | Italy | BM-21 122mm | Rocket lancher | 1985 | 240 | - | USSR |
| Assad-class | Corvette | 1981 | 6 | Package | Italy | BTR-80 | IFV | 1985 | 6007 | - | USSR |
| Otomat | SS missile sys | 1981 | 85 | - | Italy | M-1974 122mm | Artillery | 1985 | N/A | - | USSR |
| Albatrossa | SA missile sys | 1981 | 106+ | - | Italy | T-62 | Tank | 1985 | 150 | - | USSR |
| T-54/55 | Tank | 1981 | 400 | N/A | Poland | T-72 | Tank | 1985 | 150 | - | USSR |
| EE-3 Jaraca | AFV | 1982 | 300 | \$125m | Brazil | T-74 (T-74M/T-80) | Tank | 1985 | 7 | - | USSR |
| EE-11 Urutu | AFV | 1982 | 300 | \$125m | Brazil | SS-21 Scarab | SS launcher | 1985 | 12 | - | USSR |
| 156 mm GCT | SP howitzer | 1982 | 28 | \$2.6b | France | SCUD-B/EE-600 | S/S missile | 1985 | 200 | N/A | Brazil |
| Super-R-530F | A/A missile | 1982 | N/A | Package | France | Astros II | MRLS | 1987 | 200 | N/A | Brazil |
| Exocet/AM-39 | A/S missile | 1982 | 342 | - | France | SAKR-80 | MRLS/R&D | 1987 | N/A | N/A | Egypt |
| R-560 Magic II | A/A missile | 1982 | N/A | - | France | SA 6 | SA launcher | 1987 | 40 | \$800m | Egypt |
| ERC 90 | AFV | 1982 | 300 | - | France | Sakr-30 (BM-21) | MRLS | 1987 | 85 | Package | Egypt |
| M3 | AFV | 1982 | 300 | - | France | Gazelle | AT helicopter | 1987 | 35 | N/A | Egypt/France |
| HOT | Missile sys | 1982 | 300 | - | Fr./W.Ger. | Mirage F-1 EQ6 | FGA | 1987 | 20 | \$725m | France |
| Proximity fuse | | 1982 | 50,000 | \$15m | France | AM-39 Exocet | A/S missile | 1987 | 1507 | \$735m | France |
| Type 531 | AFV | 1982 | 660 | N/A | China | AS-30L | A/S missile | 1987 | 2007 | Package | France |
| Hughes 500 C/D | Helicopter | 1982 | 60 | N/A | US | Magic II | A/A missile | 1987 | N/A | - | France |
| SA-8 Gecko | AD system | 1982 | 35 | \$109m | USSR | Armat (Bazar) | A/S missile | 1987 | 700 | - | France |
| SA-8 Gecko | AD missile | 1982 | 432 | \$194m | USSR | Apilas | AT missile | 1987 | N/A | - | France |
| SA-8 Gaskin | AD system | 1982 | 240 | \$96m | USSR | Tiger-G | AWACS radar | 1987 | 10 | - | France |
| BRDM-2 Gaskin | AD system | 1982 | 20+ | \$50.4m | USSR | HOT | AT missile | 1987 | N/A | - | Fr./W.Ger. |
| SU-7 Fitter | FGA | 1982 | 30 | \$180m | USSR | BO-105 | Helicopter | 1987 | 30 | N/A | W. Ger. |
| D-30 122mm | Artillery | 1982 | 504 | \$146m | USSR | Viper MK 22/9 | A/c engine | 1987 | 22 | \$4m | UK |
| T-62 | Tank | 1982 | 300 | \$300m | USSR | Hawker Hunter | A/c spares | 1987 | N/A | \$2m | UK |
| AT-3 Sagger | AT missile | 1982 | 1,000 | \$25m | USSR | Al Hussein | S/S missile | 1988 | 300 | N/A | Brazil |
| Astros II | MRLS | 1983 | 60 | N/A | Brazil | Dauphin | Attack heli | 1988 | 6 | N/A | France |
| MAS-1 | A/A missile | 1983 | N/A | N/A | Brazil | AS-15TT | Missile | 1988 | N/A | N/A | France |
| T-65 | Tank | 1983 | 140 | \$1.6b | Egypt | Super Puma | Helicopter | 1988 | 6 | N/A | France |
| Grad launchers | MRLS | 1983 | N/A | Package | Egypt | Battlefield computer | Artillery | 1988 | 2,000 | \$100m | France |
| 122mm rockets | Munitions | 1983 | 100,000+ | - | Egypt | Cymbeline mortar locating radar | | 1988 | N/A | \$1m | UK |
| Shenyang F-7 | Fighter | 1983 | 70 | - | Egypt | Hovercraft engine | Spares | 1988 | N/A | \$1m | UK |
| RPG-7 | AT rocket | 1983 | 1,180 | - | Egypt | Tank engines | Spares | 1988 | N/A | \$1.5m | UK |
| EMB-312 Tucano | Trainer a/c | 1983 | 40 | \$181m | Egy/Brazil | Encryption equip | Communication | 1988 | 1,325 | \$11.5m | UK |
| Mirage F-1EQ5 | Fighter | 1983 | 29 | \$1.6b | France | Laser rangefinder | Surveillance | 1988 | N/A | \$14m | UK |
| Armat | A/S missile | 1983 | 200 | Package | France | Transceivers | Communication | 1988 | N/A | \$4.5m | UK |
| AS-30L | A/S missile | 1983 | 20 | - | France | AS-14 Kedge | A/S missile | 1988 | 120 | N/A | USSR |
| Rasit | Ground radar | 1983 | 42 | - | France | Encryption equip | Communication | 1988 | 8 | - | UK |
| Roland 2 | AD missile | 1983 | 300 | - | Fr./W.Ger. | Multiplexers | Communication | 1988 | 13 | \$60m | UK |
| Super Etendard | FGA | 1983 | 5 | \$500m | France | Jaguar freq hop | Radio | 1988 | 2,000 | \$48m | UK |
| BO-106 | Helicopter | 1983 | 24 | N/A | W. Ger. | Jaguar kits | Radio | 1988 | 2,000 | \$48m | UK |
| Faun | Tank transp | 1983 | N/A | N/A | W. Ger. | Mapping computer | Surveillance | 1988 | N/A | N/A | US |
| G-6 | Howitzer | 1983 | 100 | \$620m | South Africa | Nav equipment | Avionics, spares | 1988 | N/A | \$3m | US |
| PC-7 | Trainer | 1983 | 32 | N/A | Switz | BLIT | Helicopter | 1988 | 12 | N/A | W. Ger. |
| BM-21 122mm | MRLS | 1983 | 200 | \$80m | USSR | Avionics | Su-26 | 1990 | N/A | \$161m | France |
| SS-1B SCUD | S/S missile | 1983 | 350 | \$2b | USSR | Armored vehicle | VIP | 1990 | 2 | \$3m | UK |
| Su-20/22 Fitter-C/D | FGA | 1983 | 30 | Package | USSR | Encryption equip | Communication | 1990 | 80 | \$2m | UK |
| | | | | | | Cougar radio | Communication | 1990 | 31 | \$3.4m | UK |

* Compiled from public sources (SIPRI, DMS, IJSS, Military Powers Encyclopedia, etc). Copyright © 1990-1991, Middle East Defense News Mednews.